

رمزگشایی نمادهای عرفانی هجران و فراق روحی انسان در مثنوی

طاهره جعفر قلیان^۱، فاطمه کریمی^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور کرج (نویسنده مسئول)

چکیده

عرفان و تصوف به عنوان نهاد شناخته شده اجتماعی دارای زبانی است که ویژگی‌های مشخصی دارد. این ویژگی‌ها شامل برخی اصطلاحات خاص است که توسط عرفا و فلاسفه به کار می‌رود و برای بسیاری ناآشناست. ادبیات عرفانی سرشار از واژگان و عباراتی است که مفاهیم و معانی والای عرفانی را به مخاطب القا می‌کند. در متون عرفانی واژگان و تعبیرات فراوانی مشاهده می‌شود که دور از معنی ظاهری خود، به گونه‌ای معنای رمزی دارند و نمادگونه هستند. نماد برجسته‌ترین و پررمز و رازترین تصویر شعری است و بیانگر کلیات و مفاهیم سترگ به وسیله موضوعات جزئی است. نمادهای رمزی ویژه متون عارفانه است. عارف با کشف و شهود دنیای پیرامون خود را به زبان رمز بیان می‌دارد تا اهل دل واصل به مقام روحانی آن رموز را دریابند. مولانا در بیان اندیشه‌های عرفانی و عاشقانه خود از این رموز و نمادها بهره می‌جوید. «هجران و فراق» یکی از این نمادهای عرفانی در مثنوی است که علاوه بر معنای ظاهری و ملموس آن، معانی دیگری را در خود جا داده است و در مثنوی جایگاهی درخور یافته است. زبان مولانا زبانی عارفانه است. مثنوی با وجود این که منظومه‌ای داستانی و تمثیلی است سرشار از مضامین عرفانی و فلسفی است. نمادها و سمبل‌های مولانا برگرفته از عقاید و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی و اجتماعی اوست. هدف از این تحقیق، رمزگشایی و فهم بیشتر دو واژه هجران و فراق در گستره ادبیات عرفانی و رمزگشایی این دو نماد عرفانی با تکیه بر آرا مولانا در مثنوی است.

واژه‌های کلیدی: نماد، هجر، فراق، مولانا، ادبیات عرفانی.

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۲۴۵-۲۵۲